

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد جعفری
۰۹ جولای ۲۰۲۰



الهام و یا اشاره گرفتن خمینی در طرح ولایت فقیه

(بخش پنجم)

بقائی و لایت فقیه و مجلس خبرگان

در قسمت سوم این تحقیق معلوم شد که خمینی و بقائی هر دو ضد دموکراسی و معتقدند که رأس حکومت باید در دست یک فرد باشد و هر دو نیز در ایران برای امریکا منافعی قائلند.

آقای دکتر بقائی به طوری که خودش اظهار می‌دارد یکی از دوستان، همفکران و هم‌زمان پروپا قرص مرحوم آیت الله کاشانی است :

... "تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که در میان سران درجه یک جبهه ملی تنها کسی که به ضد من یا به ضد حزب ما عملی انجام نداد و وارد نقشه و توطئه ای نشد خدا رحمت کند مرحوم آیت الله کاشانی بود که تا آخر عمر با صحت و صداقت با هم همفکری و همراهی داشتیم (78)".

در سال 1343 حزب زحمتکشان ملت ایران در دفاع از آیت الله خمینی جزوه‌ای منتشر کرد و ایشان را به عنوان عالی‌ترین مرجع تقلید و شخص اول روحانیت شیعه معرفی و پیشنهاد کرد .

«علت اصلی این که ما امام خمینی را به مرجعیت پذیرفتیم صریحاً به خاطر فتوائی بود که در باره تحریم تقیه صادر کرده بود . متأسفانه ایشان در سه مورد نسبت به مرحوم آیت الله کاشانی تقیه کرده است» (79)

و بعد از آن نیز بنا به گفته خودش دنبال خط آقای خمینی و یکی از حامیان وی بوده است و وی خودش را در زمره کسانی می‌داند که همیشه پیرو اصول بوده و افتخار پیدا کرده است که آقای خمینی به وی درود فرستاده که از اصول منحرف نمی‌شود.

«راهنمای من در رهبری حزب همیشه حفظ اصول بود چون در این راه و اصلاً در سیاست امکان لغزش و اشتباه زیاد است . بگمان می‌کنم ولتر یا منتسکیو است که گفته است "اشتباه یک مرد سیاسی اگر از خیانت بالاتر نباشد لااقل معادل

خیانت است" من همیشه بدان اصول چسبیده‌ام تاجائی که این افتخار را پیدا کردم که امام خمینی گفت: "دروغ به رهبرانی که از اصول منحرف نمی‌شوند." (80) و در رابطه با این که دین از سیاست جدا نیست، علت حمایت خود را از آقای خمینی چنین توضیح می‌دهد:

"ما همیشه با این فکر مخالف بودیم و معتقدیم که اسلام از سیاست جدا نیست ولی این عدم جدائی دین از سیاست، معنایش حکومت آخوندی نیست..."

حزب بقائی بعد از انتشار پیش نویس قانون اساسی تنها حزبی بود که جزوه به ضد آن منتشر کرد و پرسید سهم روحانیت چه می‌شود؟ ولایت فقیه را آنها طرح کردند بعد هم که خانه بقائی تفتیش و اسنادش ضبط شد، معلوم شد معلم آیت در مطرح کردن ولایت فقیه بوده است.

بنا به اعتراف خود بقائی، وی یکی از حامیان پروپا قرص مجلس خبرگان و از صمیم قلب و با کمال حسن نیت مدافع آن بوده است و طرحی نیز برای مجلس خبرگان وسیله وی تهیه شده است. ولی می‌گوید که مجلس خبرگان مطابق خواست وی پیش نرفته و آنچه از قبل پیش بینی می‌کرد، همان شده است. هیچ توضیحی نمی‌دهد که چه پیش بینی می‌کرده است. برای روشن شدن این مسأله لازم است که در این رابطه به نقش دوست و دستیار وی آقای دکتر حسن آیت توجه شود و بنا به گفته خود حسن آیت و اعتراف ضمنی بقائی طرح تهیه شده وسیله آیت، همان است که در مجلس خبرگان به تصویب رسید (81).

بقائی در وصیت نامه سیاسی خود و حمایت از انقلاب و پشتیبانی از مجلس خبرگان اعلام می‌دارد:

«بعد از انقلاب حزب ما تصمیم گرفت با تمام امکانات از نهضت پشتیبانی کند همانطوری که قبل از انقلاب هم پشتیبانی کرده بودیم. پس از گذشت چند هفته به کسانی که راجع به انقلاب نظر مرا می‌پرسیدند و بعضی از شما هم جزو آن کسان بودید می‌گفتم ما ترکیبی از انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب انگلستان در زمان کرامول و دوران حکومتی کلون در ژنیو می‌دیدیم... خوب ما تصمیم گرفته بودیم با نهضت همراهی کنیم و آن را تقویت کنیم. حتماً یاد دارید هنگامی که آقای خمینی به ایران آمدند در بهشت زهرا گفتند و بعد هم در زمان نخست وزیری آقای مهندس بازرگان قید کردند که باید مجلس مؤسسان تشکیل بشود. بعد از مدتی از این "باید" انصراف حاصل شد و صحبت از مجلس خبرگان به میان آمد... البته همه به یاد دارید که من خودم از مدافعان سرسخت مجلس خبرگان بودم و همه جا استدلال می‌کردم که مجلس خبرگان بر مؤسسان ترجیح دارد و آن را تأیید می‌کردم... من شدیداً از صمیم قلب و با کمال حسن نیت مدافع آن بودم. پس از انتشار پیش نویس قانون اساسی کمیسیونی از چند نفر از دوستان برای مطالعه و رسیدگی و ارائه پیشنهادات اصلاحی تشکیل دادیم. این آقایان در گرمای تابستان زحمت کشیدند و آن طرحی را که همه دیده در هفتاد و چند صفحه تهیه کردند... با این که برایم مسلم شده بود که این طرح بی نتیجه است به خاطر این که دوستان دلسرد نشوند... مخالفت نکردم، حتی اظهار علاقه هم کردم و در بعضی جاها مختصر اصلاحاتی کردم. ولی مجلس خبرگان همان شد که پیش بینی می‌کردم.» (82)

این رجل سیاسی که خود معتقد است از اصول منحرف نمی‌شود در همین مختصر معلوم می‌کند که چندان هم به اصول اعتقادی نداشته است. خود اعتراف می‌کند که ما تصمیم گرفتیم با تمام امکانات از نهضت پشتیبانی کنیم و پس از گذشت چند هفته متوجه می‌شود که این جریان هم مثل سایر جریانهای دیگر بوده است «ولی خوب ما تصمیم گرفته بودیم با نهضت همراهی کنیم و آنرا تقویت کنیم» و بعد می‌گوید «به خاطر این که دوستان دلسرد نشوند با طرح مخالفت نکردم و مجلس خبرگان همان شد که پیش بینی می‌کردم.» و از لحن گفتار این رجل اصولی پیداست که حتی این پیش بینی خودش را به دوستان نزدیک و همفکر خودش هم نگفته است. و باز با وجودیکه از مسائلی مطلع است «راه فعلی من

سکوت است. برای این که همانطوری که توضیح دادم به این نهضت لطمه نخورد و اینکه اگرما وارد مبارزه‌ای بشویم تقویت طرف مقابل خواهد بود.» (83)

همچنان که با اسناد مشخص شد که خمینی که تا نهضت 15 خرداد 42 و زندانی و بعد تبعید و رفتن به نجف به ولایت فقیه معتقد نبوده و خواسته و ایده آتش اجرای قانون اساسی است. با بقائی که او هم در چهارچوب قانون اساسی در صدد دست یافتن به پست نخست وزیری بود، با خمینی هم خط و هم گام می بود و علت همراهی و همگامی بقائی با روحانیون طرفدار کاشانی بهبهانی و بعد هم خمینی همراه داشتن حمایت آنها برای رسیدن به پست نخست وزیری است. بقائی و خمینی در رابطه با کودتا و کودتاچیان هم خط و همگام بقائی بوده و حتی خمینی کودتا علیه مصدق را سیلی از طرف خداوند می داند که بر مصدق فرود آمده است «مصدق از اسلام سیلی خورد» (84). و از طرفداران پرو پا قرص کودتا بوده است. بقائی و خمینی در این دوره هم در رابطه با قدرت و منافع امریکا در ایران هم خط و همگام اند. افزون بر این که هر دو مخالف دموکراسی و بر این نظر بوده اند که در رأس حکومت باید در دست یک فرد باشد. حال با اسناد فوق تا به اینجا حد اقل مشخص شده است هر دو بقائی و خمینی به لحاظ تفکر سیاسی و یا حد اقل به لحاظ تاکتیک سیاسی جهت رسیدن به خواسته خود هم خط و همگام هستند و بقائی که معتقد است در شرایطی بحرانی ممکن است در مسند قدرت قرار گیرد، چه بحرانی مهمتر از بحرانی که در نهضت 15 خرداد [جوزا] 42 به رهبری آقای خمینی و روحانیان ایجاد شد و حکومت را تا سرحد سقوط کشانده و همچنان ادامه دارد و همگامی وی هم با روحانیون خط کاشانی بهبهانی و خمینی می تواند با کمک آن ها به عنوان کسی که قادر است کشور را از بحران نجات دهد نقش خود را بازی کند. بقائی هم که خود را شخص دوم مملکت بعد از شاه می دانست، فکر می کرد و یا امید داشت که به نخست وزیری برسد حتی در خرداد [جوزا] سال 48 فهرستی از افراد مورد اطمینان و کسانی که بتوانند اصلاحات را با دست وی عملی سازند به شاه می دهد و شانس خود را بار دیگر برای نخست وزیری امتحان می کند و سرانجام بقائی به صرافت افتاده و درک کرده که در دستگاه شاه امکان دستیابی به نخست وزیری وی وجود ندارد و خود هم مشاهده کرده که شاه به فعال مایشائی تبدیل شده که قانون اساسی را هم از پایه ویران کرده و از قانونیت انداخته است. بنابراین برای دست یافتن به معشوقه خود یعنی دستیابی به قدرت باید به فکر و چاره دیگری بود. آن چاره و یا بهترین چاره، القای طرح ولایت فقیه به آقای خمینی که نهضت 15 خرداد 42 [جوزا] را رهبری کرده است و در صورتی که این طرح عملی شود، آقای خمینی رهبر و بقائی هم که از پشتیبانی روحانیون طرفدار کودتا و خط کاشانی و بهبهانی برخوردار است، امکان دستیابی به قدرت اجرائی کشور بعد از رهبر را دارد. به این علت است که طرح ولایت فقیه با اشاره امریکائی ها توسط بقائی و حزب زحمتکشان و یا مستقیم توسط بقائی و با موافقت امریکائی ها به خمینی القا شده است. الهام و یا اشاره به خمینی در تدریس ولایت فقیه با اما و اگر و یا سؤالهائی همراه است. اما در این که این طرح توسط حزب زحمتکشان تهیه و توسط دکتر آیت دستیار دکتری بقائی به مجلس خبرگان آمد و مخلا بالطبع ذائقه قدرتمداری روحانیون مشروعه خواه بود و از مشروطه به اینطرف، تا حدودی دستشان از قدرت کوتاه شده بود، با حمایت و پشتیبانی آنها و در نهایت با ضرب و زور آقای خمینی به تصویب رسید، جای شک و شبهه نیست. زیرا حزب بقائی بعد از انتشار پیش نویس قانون اساسی تنها حزبی بود که جزوه به ضد آن منتشر کرد و پرسید سهم روحانیت چه می شود؟ بنا به اعتراف خود آقای دکتر بقائی، وی از حامیان پروپا قرص مجلس خبرگان و از صمیم قلب و با کمال حسن نیت مدافع آن بوده است و طرحی نیز برای مجلس خبرگان وسیله وی تهیه شده است (85).

همچنان که با توجه به اسناد ارائه شده، حد اقل مشخص شده است که هر دو بقائی و خمینی به لحاظ تفکر سیاسی و یا حد اقل به لحاظ تاکتیک سیاسی جهت رسیدن به خواسته خود هم خط و همگام هستند و نه تنها به لحاظ تاکتیک سیاسی

هم خط و همگام هستند بلکه به لحاظ این که دین را وسیله دستیابی به قدرت خود بگردانند نیز همگام و هم نظرند. همچنان که عمل بقائی در این نکته جای شک و شبه ندارد، عمل آقای خمینی هم جای شبه باقی نمی گذارد که آماده است که دین را با انواع و اقسام حیل: جعل و تحریف، تقیه، توریه، دروغ و دورغ مصلحت آمیز، وسیله ای برای قدرت خود بگرداند و برای این که بی مدرک و دلیل حرفی زده نشده باشد به ذکر یک نمونه که برای اهل خرد کافی است بسنده می شود.

آقای خمینی در سلک مرجع تقلید و عارفی بزرگ که چشم به حکومت و در دست گرفتن قدرت ندارد و نقش منجی و مصلح را بازی می کند ظاهر شد. اما در عمل و با حيله و تزویر و با انواع و اقسام حیل: جعل و تحریف، تقیه، توریه، دروغ و دورغ مصلحت آمیز، قرآن خدا و پیامبر و دین را وسیله ای برای قدرت خود گرداند. از یکطرف آشکارا و در انتظار ملت ایران و جهانیان «بیانیه پاریس» را که: «ولایت با جمهور مردم است»، «میزان رأی مردم است»، «جمهوری نظیر همین جمهوری فرانسه»، «باید اختیارات دست مردم باشد... مقدرات هر کس باید دست خودش باشد»، «من برای خودم نقشی جز هدایت ملت و حکومت بر نمی گیرم»، «علماء خود حکومت نخواهند کرد.» و «این حکومت در همه مراتب خود متکی به آراء مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود.» و ... و برای به میدان کشیدن مردم و افکار عمومی جهانیان و ملت ایران به انقلاب عرضه داشت و از طرف دیگر همزمان و پنهانی و درخفا «طرح سری چگونگی قبضه کردن قدرت در انقلاب 57» را دور از چشم مردم به اجرا در می آورد (86) و تا مردم چشم باز می کنند، در چنبره دیکتاتوری ولایت فقیه گرفتار می آیند که این خود بزرگترین خیانت به ملت ایران به دست او است که به اجراء در آمده است.

با توجه به اسناد موجود حد اقل به لحاظ تاکتیک سیاسی و دین را وسیله قدرت گرداندن و رسیدن به هدف روابط و همگامی و همکاری و همکاری بقائی با حامیان داخلی کودتای کاشانی و بهبهانی و آقای خمینی تا پیروزی انقلاب و بعد از آن همچنان ادامه یافت و سپس طرح القائی ولایت فقیه وسیله آقای بقائی و کوشش حسن آیت به مجلس خبرگان آورده شد و طرح که موافق طبع روحانیون قدرتمدار و روحانی ها و غیر روحانی های خط کاشانی بقائی بود، با پشتیبانی آنها از تصویب مجلس خبرگان گذشت و این قسمت دوم است که به کمک اثبات قسمت اول می آید و با حد اقل در اثبات قسمت اول که طرح از اول برای دستیابی به قدرت به نوعی توسط حزب زحمتکشان به خمینی القا و در نتیجه آن را تدریس کرده است مدد رسانده است.

حال که معلوم شد که طرح ولایت فقیه از بقائی بوده است و آیت دستیار و همکار بقائی در فراهم کردن زمینه و آوردن آن به مجلس خبرگان و تصویب آن نقش اساسی داشته است. رؤیائی که بقائی و حزب زحمتکشان و سایر دوستان و همکاران بقائی در سر داشتند، رسیدن بقائی به قله قدرت و به زعم آنها رسالت نجات مردم ایران با دستان بقائی به مثابه «کاوه» بود. بقائی تمام هم و غم خود را در تمام دوران عمر، بر این نهاده بود که به هر وسیله و قیمتی قله قدرت را فتح کند - که در رژیم گذشته نخستوزیری و بعد از انقلاب و تصویب طرح ولایت فقیه در مجلس خبرگان، ریاست جمهوری بود - حزب زحمتکشان و به ویژه بعضی از یارانش نظیر زهری، دیوشلی و آیت وی را آلترناتیو و نجات دهنده ایران می دانستند و بر این نظر بودند که با وسیله قرار دادن مذهب و جلب حمایت رهبران مذهبی می توان قله قدرت را فتح کرد. حسب اطلاعات اینجانب از بچه های دادستانی و سپاه پاسداران، بعد از دستگیری بقائی و بازجویی از وی و دسترسی به اسناد و مدارکش معلوم می شود که آقای آیت دستیار بقائی بوده و از طرف بقائی و حزب زحمتکشان مأمور بوده که طرح ولایت فقیه را در مجلس خبرگان به تصویب برساند. تشکیل مجلس خبرگان فرصتی

طلائی در اختیار بقائی و حزب زحمتکشان و روحانیت و آقای خمینی گذاشت. آقای خمینی که وزنه طرفداران ولایت فقیه را در آنجا سنگین دید و طرف مقابل را ضعیف و پراکنده یافت، سخت آن را چسبید و آنچه که بنا نبود بشود، شد. محمد جعفری 17/ تیر 1399/

نمایه و یادداشت:

- 78 از وصیتنامه سیاسی دکتر مظفر بقائی.
 - 79 وصیتنامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، ص 51
 - 80 وصیتنامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، ص 15 و 24.
 - 81 کتاب غائله 15 خرداد، دادگستری جمهوری اسلامی، چاپ اول، ص 356 و 357
 - 82 وصیتنامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، ص 28-30
 - 83 وصیتنامه سیاسی دکتر بقائی، ص 58
 - 84 از سخنرانی خمینی در 25 خرداد. 60
 - 85 جهت اطلاع مشروح از این قسمت به کتاب «پاریس و تحول انقلاب...» چاپ دوم، فصل یازدهم و دوازدهم که در سایت به آدرس زیر: www.mohammadjafarim.com قابل دسترسی است مراجعه کنید.
 - 86 جهت اطلاع از «طرح سری چگونگی قبضه کردن قدرت در انقلاب 57» به فصل یازدهم «کتاب پاریس و...» چاپ دوم و یا نیز به مقاله تحت همین نام که هر دو در سایت اینجانب موجود است مراجعه کنید.
- <http://mohammadjafarim.com/>